

تحلیل تفاوت‌های باروری زنان مهاجر عراقی با هم‌تایان ایرانی

رسول صادقی^۱

محمدجلال عباسی شوازی^۲

پونه شهریاری^۳

چکیده

مهاجرت یکی از فرایندهای مهم جمعیت‌شناختی است که با تغییرات گسترده در سطح فردی و اجتماعی همراه است. موضوع باروری مهاجران با توجه به حجم گسترده مهاجرت‌های بین‌المللی و نقش روزافزون این مهاجرت‌ها در شکل‌گیری پویایی‌های جمعیتی، مورد توجه جمعیت‌شناسان قرار گرفته است. در این زمینه، مقاله پیش‌رو با استفاده از تحلیل ثانویه داده‌های خرد سرشماری‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ به تحلیل تفاوت‌های باروری زنان مهاجر عراقی در مقایسه با هم‌تایان ایرانی می‌پردازد. نتایج پژوهش نشان داد تغییراتی در باروری مهاجران عراقی در ایران رخ داده و مسیر این تغییرات در طول زمان و در بستر گذار نسلی به سوی همانندی و همگرایی

۱. دانشیار جمعیت‌شناسی دانشگاه تهران و محقق مؤسسه مطالعات جمعیتی کشور (نویسنده مسئول)
rassadeghi@ut.ac.ir

۲. استاد جمعیت‌شناسی دانشگاه تهران و رئیس مؤسسه مطالعات جمعیتی کشور
mabbasi@ut.ac.ir

۳. دانشجوی دکتری جمعیت‌شناسی دانشگاه تهران
puneshahriari@gmail.com

بیشتر با گذار باروری ایران بوده است. البته، هنوز زنان مهاجر عراقی سطح باروری بالاتری در مقایسه با ایرانی‌ها دارند، هرچند آن‌ها باروری پایین‌تری نسبت به هم‌تایان خود در کشور عراق دارند. تفاوت‌های باروری زنان عراقی با هم‌تایان ایرانی بعد از تعدیل اثر مشخصه‌های اقتصادی-اجتماعی، حدود ۵۰ درصد کاهش یافت. بنابراین، بخشی از تفاوت‌های بومی-مهاجر باروری به موقعیت و جایگاه اقتصادی-اجتماعی متمایز آن‌ها برمی‌گردد. تفاوت‌های باقیمانده ممکن است ناشی از تاریخ، آداب و رسوم و ارزش‌های اجتماعی-فرهنگی متفاوت ایرانی‌ها و عراقی‌ها باشد.

واژگان کلیدی: مهاجرت، باروری، مشخصه‌های اقتصادی-اجتماعی، تابعیت، مهاجران عراقی، جمعیت بومی.

مقدمه و بیان مسأله

ارزش‌ها، نگرش‌ها، هنجارها و رفتارهای مرتبط با باروری متأثر از بستر اجتماعی و در جریان تعاملات اجتماعی شکل می‌گیرند. در کنار ارزش‌های فرهنگی-هنجاری، موقعیت اقتصادی و اجتماعی افراد در درون همین بستر اجتماعی نیز بر رفتار باروری بسیار اثرگذار است. تغییر در بستر اجتماعی بر اثر مهاجرت، با تغییر رفتارهای جمعیت‌شناختی همراه است. مهاجرت بین‌المللی علاوه بر اینکه به طور مستقیم باعث تغییر در حجم و ساختار جمعیت می‌شود، به طور غیرمستقیم نیز با تغییر بافت و بستر اجتماعی-اقتصادی و فرهنگی مهاجران، نگرش و رفتار باروری آنان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. از این‌رو، همانطور که کلمن^۱ (۱۹۹۴) بیان می‌کند؛ مطالعه رفتارهای جمعیت‌شناختی مهاجران ما را قادر می‌سازد تا به شناخت و بینش‌های دقیقی درباره الگو و شتاب پاسخ‌های جمعیتی افراد یا گروه‌های مهاجر به تغییرات محیطی که در معرض آنند، دست یابیم.

ایران در چند دهه اخیر یکی از مقاصد اصلی مهاجران و پناهندگان منطقه بوده است. مهاجران عراقی بعد از مهاجران افغانستانی عمده‌ترین گروه مهاجران خارجی در ایران محسوب می‌شوند. مهاجرت عراقی‌ها به ایران سابقه‌ای طولانی دارد، اما در سه دهه اخیر، عراق یکی از

کشورهای مهم فرستنده مهاجران، پناهندگان و آوارگان به کشورهای همسایه از جمله ایران، اردن، عربستان سعودی، سوریه، ترکیه و لبنان بوده است. بر اساس پیمایش جهانی پناهندگان^۱، در سال ۱۳۷۵ اکثر پناهندگان عراقی (حدود ۶۰۰ هزار نفر) در ایران، حدود ۵۰ هزار نفر در اردن، ۳۵ هزار نفر در عربستان سعودی، ۳۵ هزار نفر در سوریه، ۲۲۰۰ نفر در ترکیه، ۱۷۰۰ نفر در کویت، ۱۲۰۰ نفر در پاکستان و ۱۱۶۵ نفر در لبنان زندگی می‌کردند (پیمایش جهانی پناهندگان، ۱۹۹۶). در سال ۱۳۸۱ تعداد پناهندگان عراقی ثبت شده در ایران به ۳۵۰ هزار نفر رسید که از این تعداد، ۱۰۰ هزار نفر قبل از جنگ خلیج فارس و ۲۵۰ هزار نفر نیز در سال‌های پس از آن وارد ایران شده بودند (چاتلارد^۲، ۲۰۰۹). با سقوط رژیم صدام در سال ۱۳۸۲، امکان بازگشت به کشور عراق برای بسیاری از پناهندگان عراقی فراهم شد و بیش از نیمی از پناهندگان عراقی در ایران - حدود ۱۰۷ هزار نفر - با کمک کمیساریای عالی پناهندگان، به کشور خود بازگشتند (کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل، ۲۰۰۴) و جریان مهاجرت بازگشتی برای سال‌های بعد نیز ادامه داشت. بطوریکه، بر اساس نتایج ۱۳۹۰ تعداد افراد دارای تابعیت عراقی در ایران به ۵۱۵۰۶ نفر رسید. علیرغم وجود این تعداد مهاجر عراقی در ایران، تاکنون مطالعه‌ی جمعیت‌شناختی درباره آن‌ها انجام نگرفته است.

ایران در چند دهه‌ی اخیر در بستر گذار و کاهش سریع باروری بوده و در نتیجه باروری به زیر سطح جانشینی در دهه ۱۳۸۰ رسید. برای سال ۱۳۹۰، نیز ۱/۸ فرزند برای هر زن برآورد شد (عباسی شوازی و همکاران ۲۰۰۹؛ عباسی شوازی و حسینی چاووشی ۱۳۹۲). به علاوه در چند دهه اخیر تغییرات گسترده‌ای در ابعاد جمعیت‌شناختی خانواده ایرانی به وقوع پیوسته است. در این زمینه می‌توان به افزایش سن ازدواج و به تأخیر افتادن آن به ویژه برای زنان (عباسی شوازی و مکدونالد ۲۰۰۷؛ ترابی و همکاران ۲۰۱۲)، کوچک شدن ابعاد خانواده و تغییر شکل خانواده از گسترده به هسته‌ای مشارکتی (سرایبی، ۱۳۸۵)، تغییر نگرش‌ها به ازدواج خویشاوندی (عباسی شوازی و مکدونالد ۲۰۰۷)، گذار از تنظیمات هنجاری سنتی ازدواج به انتخاب‌های فردی مدرن

و افزایش مشارکت زوجین در فرایند انتخاب همسر، تغییر از نقش مکمل بودن زنان به سمت برابری، افزایش طلاق و جدایی (آقاجانیان و تامپسون^۱ ۲۰۱۳؛ صادقی ۱۳۹۵) اشاره نمود.

در مقابل، خانواده‌ی گسترده با پیوندهای خویشاوندی و قومی- قبیله‌ای و ساختار پدرسالارانه، شکل مرسوم خانواده در کشور عراق می‌باشد. ازدواج‌ها غالباً از نوع خویشاوندی و از پیش تعیین شده می‌باشند که ریشه در رسوم قبیله‌ای دارند (پیمایش وضعیت زندگی در عراق، ۲۰۰۴؛ پیمایش سلامت خانواده در عراق ۲۰۰۶/۷؛ تود^۲ و همکاران ۲۰۰۶) و غالباً در سنین پایین برای دختران انجام می‌شود به طوری که در سال ۲۰۱۱ حدود ۲۵ درصد دختران عراقی قبل از سن ۱۸ سالگی و ۶ درصد قبل از ۱۵ سالگی ازدواج کرده‌اند. تفاوت سنی زوجین در این کشور بالاست و مردان عراقی زنان بسیار جوانتری از خود را به همسری برمی‌گزینند. چند همسری هر چند در حال کاهش بوده، اما همچنان وجود دارد. ترجیح فرزند پسر که خود باعث افزایش باروری می‌شود نیز در این کشور رایج می‌باشد. استفاده از وسایل پیشگیری نیز در سطح پایینی قرار دارد (فیاد^۳، ۲۰۱۲). میزان باروری کل (TFR)، در عراق برای سال‌های اخیر، حدود ۴ فرزند بوده، که در زمره کشورهای با باروری بالاست (اداره منابع جمعیت^۴، ۲۰۱۴). البته لازم به ذکر است از نظر ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی و جمعیت‌شناختی، تفاوت‌های بین مناطق مختلف در عراق، زیاد است، به طوری که باروری در مناطق شمالی و شرقی این کشور (حدود ۳-۴ فرزند) پایین‌تر از مناطق غربی و جنوبی عراق (۴-۵ فرزند) است (فیاد، ۲۰۱۲).

با توجه به مطالب مذکور، کشور عراق دارای ساختار سنتی خانواده و بستر فرهنگی و اجتماعی- اقتصادی متفاوتی از ایران است، حال این سوال مطرح می‌شود که مهاجران عراقی تا چه اندازه با ویژگی‌ها و شرایط ساختاری، ارزش‌ها و الگوهای رفتاری جامعه ایران انطباق یافته و ادغام شده‌اند و از طرف دیگر این انطباق چه اثراتی بر الگوها و رفتارهای باروری آنان داشته است؟

1. Thompson
2. Todd
3. Fayyad
4. Population Reference Bureau

زمینه‌های نظری

نظریه‌های متعددی به تبیین تفاوت‌های بومی-مهاجر رفتار باروری پرداخته‌اند. یکی از نخستین تلاش‌های نظری در این زمینه نظریه همانندی^۱ است. رابرت پارک^۲ جامعه شناس برجسته مکتب شیکاگو، ایده مشهور همانندی را در زمینه ادغام مهاجران مطرح نمود. همانندی، «فرایندی از تفسیر و ذوب شدن است که در آن افراد و گروه‌ها، نگرش‌ها، احساسات و خاطرات دیگر افراد و گروه‌ها را با شریک شدن در تاریخ و تجارب آن‌ها فرا می‌گیرند و با آن‌ها در یک زندگی فرهنگی مشترک سهیم می‌شوند» (پارک و برگس،^۳ ۱۹۲۵). پارک معتقد بود که مهاجران به تدریج در طول مسیر زندگی‌شان با فرهنگ غالب جامعه میزبان همانند می‌شوند. وی مفهوم چرخه روابط نژادی^۴ را مطرح نمود که بر اساس آن روابط بین مهاجران و غیر مهاجران در فرایندی متوالی از تماس‌ها، رقابت، انطباق و همانندی شکل می‌گیرد (پارک، ۱۹۵۰). گروه‌های متنوع مهاجران از بسترهای محروم، تحت‌تأثیر نیروهای حیاتی (رقابت‌های غیرشخصی) و نیروهای اجتماعی (ارتباطات و همکاری) در نهایت از طریق ادغام سکونتی و دستاوردهای اقتصادی در توالی نسل‌های بعدی کاملاً در جریان غالب جامعه ذوب می‌شوند (ژوو،^۵ ۱۹۹۷). پس از مدتی محققان با برخی یافته‌های تجربی مواجه شدند که نظریه همانندی پاسخی برای آن‌ها نداشت و در تبیین اینکه چرا با کنترل همانندی و ویژگی‌های فردی، همچنان تفاوت‌ها بین گروه مهاجران و افراد بومی باقی می‌ماند، ناتوان بود.

نظریه همانندی مشخصه‌ها به شدت مورد انتقاد قرار گرفت. چراکه فرایندها را در جامعه میزبان در نظر نمی‌گرفت و به خصوص اینکه همه مهاجران و فرزندان آن‌ها به طور کامل از فرهنگ خود به نفع جامعه مقصد، دست نمی‌کشند و فرایند دیگ ذوب^۶ عملاً اتفاق نمی‌افتد (گلیزر و موینیان^۷، ۱۹۷۰). از این‌رو، مدل تکثرگرایی فرهنگی^۸ به عنوان یکی از جایگزین‌های

1. Assimilation theory
2. Robert Park
3. Burgess
4. Race relations cycle
5. Min zhou
6. Melting pot
7. Glazer and Moynihan
8. Multiculturalism

نظریه همانندی مطرح گردید. رویکرد تکثرگرایی فرهنگی، فرایندهای ادغام ساده‌انگارانه رویکرد همانندی را زیر سوال می‌برد. بدین معنی که مهاجران به جای اینکه در فرهنگ جامعه میزبان ذوب شوند، همچنان در حفظ میراث فرهنگی خود ثابت قدمند و یک گروه سیاسی و اجتماعی متحد هستند. محققان این رویکرد، جوامع متکثر فرهنگی را ترکیبی از گروه‌های اقلیت قومی-نژادی مختلف و گروه اکثریت غالب می‌بینند. این رویکرد بیشتر در کارهای گلیر و موینیهان (۱۹۷۵) در بستر جامعه آمریکا مشاهده می‌شود. با این وجود، مفهوم تکثر فرهنگی با واقعیت جامعه آمریکا که در آن مهاجران و گروه‌های اقلیت به برنامه ملی این کشور متعهد شده بودند و با نهادهای جریان غالب جامعه انطباق یافته بودند، تناسب نداشت و سوال‌هایی همچون "کاهش نسل دوم" و "شورش نسل دوم" در این چارچوب تئوریک بی‌پاسخ باقی ماندند. در حالی که در این رویکرد، از نظر چگونگی بازسازی و شکل‌دهی به قومیت خود در میان مهاجران مورد تأکید قرار گرفت، اینکه چگونه آن‌ها همانندی و فرهنگ‌پذیری خود را شکل می‌دهند، مورد مطالعه قرار نگرفت (اسکات^۱ ۲۰۰۹؛ ژوو^۲ ۱۹۹۷).

رویکردهای پیشین هر کدام بر بُعد خاصی از الگوی ادغام مهاجران تأکید داشتند، نظریه همانندی بخشی^۲ ترکیبی از این رویکردهای متمایز است. این نظریه بر این مسأله تأکید دارد که چرا الگوهای متنوعی از ادغام در میان مهاجران دیده می‌شود و اینکه چگونه این الگوها ضرورتاً منجر به همگرایی^۳ یا واگرایی^۴ می‌شوند. هدف اصلی این رویکرد ارائه تصویری کامل از الگوهای متفاوت ادغام در میان مهاجران بر حسب الگوهای ادغام فرهنگی همگرا یا واگرا می‌باشد. به بیان دقیق‌تر این رویکرد فرایند ادغام فرهنگی را در قالب سه الگوی محتمل می‌بیند: (۱) الگوی تحرک به سمت بالا که همراه است با همانندی و ادغام اقتصادی در ساختارهای هنجاری طبقه متوسط (غالب)؛ (۲) الگوی تحرک به سمت پایین در مسیر برعکس قبلی، همراه است با همانندی و ادغام در طبقات پایین جامعه و (۳) ادغام اقتصادی اما با تأخیر در همانندی و یا حتی حفظ و تداوم آزادانه هویت و ارزش‌های اجتماع مهاجران. این الگو و فرایند همانندی بخشی

1. Dulce Maria Scott
2. Segmented assimilation theory
3. Convergence
4. Divergence

بلافاصله این سوال را به ذهن متبادر می‌نماید که چه چیزی باعث می‌شود که برخی از گروه‌های مهاجران متمایل به مسیر ادغام روبه پایین گردند و اینکه چه منابعی گروه‌های دیگر را از این مسیر باز می‌دارد.

رویکرد ساختارگرا^۱ چارچوبی جهت فهم تفاوت‌های موجود در انطباق اجتماعی گروه‌های اقلیت قومی بر حسب مزایا و معایب ذاتی ساختارهای اجتماعی نه فرایند فرهنگ‌پذیری یا گزینش فرهنگی است (ژوو، ۱۹۹۷). این رویکرد به جای تأکید بر فرایندهای همانندی و ادغام به خودی خود، بر این مسأله تأکید دارد که چگونه تفاوت در فرصت‌های اقتصادی-اجتماعی به تفاوت در ادغام اجتماعی گروه‌های اقلیت قومی دامن می‌زند. دسترسی‌های نابرابر به ثروت، مشاغل، مسکن، آموزش، قدرت و امکانات، در واقع محدودیت‌های ساختاری هستند که بر توانایی مهاجران و اقلیت‌های قومی جهت ادغام اجتماعی تأثیر می‌گذارند. این خود منجر به نابرابری‌هایی در سطوح درآمدی، دستاوردهای آموزشی و شغلی مهاجران می‌گردد (بلو و دونکن^۲ ۱۹۶۷؛ پورتز و بوروکز^۳ ۱۹۸۹). مزیت رویکرد ساختارگرا در این است که تأثیرات محدودیت‌های ساختاری را در ادغام مهاجران مد نظر قرار می‌دهد، اما این رویکرد در سطح کلان جهت پیش‌بینی فرایندهای کلان و الگوهای کلی تحرک اجتماعی باقی می‌ماند، بنابراین فاقد قدرت تبیینی در مواجهه با پیامدهای مختلف و متنوع یک الگو یا فرایند مشخص برای گروه‌های قومی مختلف و اعضای از این گروه‌ها که دارای مشخصه‌های اقتصادی-اجتماعی متفاوتی هستند، می‌باشد (ژوو، ۱۹۹۷).

یکی دیگر از مهم‌ترین مدل‌هایی که بسیار در مطالعات باروری مهاجران بکارگرفته شده است، مدل سازگاری یا انطباق است با این پیش‌فرض اصلی که بستر اجتماعی فعلی مهم‌تر از محیط کودکی است، به طوری که مهاجران زودتر یا دیرتر با رفتارهای غالب در محیط مقصد سازگاری و انطباق پیدا می‌کنند. در این مدل مهاجران تفاوت اندکی با جمعیت مبدأ دارند و ارزش‌ها و هنجارهای باروری مبدأ را با خود به مقصد می‌آورند و تا مدتی همان رفتارهای مبدأ را ادامه می‌دهند، اما با گذشت زمان به تدریج با هنجارهای جامعه مقصد منطبق می‌شوند. فرایند

1. Structuralism
2. Blau and Duncan
3. Portes and Borocz

تغییرات ایده‌ای و رفتاری مهاجران از یک سو توسط تعامل اجتماعی و از سوی دیگر توسط فرصت‌ها و محدودیت‌های اقتصادی تغذیه می‌شود. فرایند ادغام و انطباق مدت زمانی طولانی را ایجاد می‌کند و معمولاً در نسل دوم مهاجران اتفاق می‌افتد. محققان از معرف‌هایی متعددی برای سنجش انطباق مهاجران استفاده نموده‌اند؛ نظیر مدت اقامت در مقصد، تابعیت، ازدواج با افراد بومی، میزان جداگزینی سکونتی، میزان تشابه ساختارهای شغلی و آموزشی مهاجران با ساختارهای مشابه جامعه مقصد، درجه رضایت‌مندی مهاجران از جامعه مقصد و میزان ارتباط با جامعه مقصد (فوردر ۱۹۹۰؛ استیفن و بین ۱۹۹۲؛ کان ۱۹۹۴؛ عباسی‌شوازی و مکدونالد ۲۰۰۰؛ محمودیان ۱۳۸۶؛ صادقی ۱۳۹۰).

تئوری انطباق یا سازگاری همچنین به تبیین تفاوت‌های بومی - مهاجر رفتارهای مرتبط با ازدواج و باروری بر اساس دو "مدل همانندی مشخصه‌ها"^۱ و "مدل هنجاری - فرهنگی"^۲ می‌پردازد. "مدل همانندی مشخصه‌ها" به تبیین تفاوت‌های بومی - مهاجر در رفتارهای جمعیتی در چارچوب نابرابری اجتماعی^۳ یا سطوح پایین ادغام ساختاری می‌پردازد. این رویکرد مبتنی بر این پیش فرض است که در جریان فرایند همانندی اقتصادی - اجتماعی گروه‌های اقلیت با جمعیت اکثریت، رفتار و نگرش‌های باروری آن‌ها مشابه با اکثریت می‌شود. بنابراین باروری متمایز گروه‌های مهاجر صرفاً بازتابی از مشخصه‌های اقتصادی، اجتماعی و جمعیت شناختی منحصر بفرود آنان می‌باشد. از این رویکرد می‌توان چنین استنباط نمود که باروری گروه‌های قومی با کنترل مشخصه‌های اقتصادی، اجتماعی و جمعیت شناختی آنان با باروری جمعیت اکثریت یکسان می‌گردد و تفاوت‌های باروری بین این دو گروه از بین می‌رود (گلدشایدر و اولنبرگ^۴ ۱۹۶۹؛ صادقی ۱۳۹۰). این دیدگاه با تأکید بر تفاوت‌های اقتصادی - اجتماعی مهاجران با جمعیت بومی بیان می‌دارد که وضعیت بومی - مهاجر به تنهایی تأثیری مستقل بر الگوها و رفتارهای جمعیتی ندارد، بلکه تفاوت در ترکیب اقتصادی - اجتماعی مهاجران است که عمده‌تأ موجب تفاوت‌ها در رفتارهای جمعیتی می‌شود.

1. Characteristics assimilation model
2. Normative - cultural model
3. Social inequality
4. Goldscheider and Uhlenberg

شواهد تجربی به طور کامل از تبیین مبتنی بر رویکرد همانندی مشخصه‌ها حمایت نمی‌کند. از این رو رویکرد هنجاری- فرهنگی در پاسخ به محدودیت‌های فرضیه مشخصه‌ها و ناکامی آن در تبیین تفاوت‌های باروری، به عنوان تبیین جایگزین آن ارائه گردید (عباسی شوازی و صادقی ۱۳۸۶؛ عباسی شوازی و حسینی ۱۳۸۶؛ صادقی ۱۳۹۰). "مدل هنجاری- فرهنگی" بر ابعاد فرهنگی سازگاری تأکید دارد. این فرضیه دامنه وسیعی از ابعاد هنجاری، اجتماعی- روانشناختی موقعیت گروه مهاجر در نظام قشربندی اجتماعی را منعکس می‌کند. نقش اصلی را هنجارهای گروه و تجربیات اجتماعی- روانشناختی آن‌ها ایفا می‌کند. فرض بر این است که اعضای یک گروه مهاجر معین، هنجارها، ایده آل‌ها و تجربیات اقتصادی- اجتماعی مشترکی دارند که متمایز از ویژگی‌های اعضای دیگر جامعه‌ای است که این گروه بخشی از آن به شمار می‌رود. بنابراین سطوح باروری و الگوهای متفاوت ازدواج گروه‌های مهاجر ممکن است پاسخ منطقی آن‌ها به شرایط موقعیتی‌شان، تبعیض‌های گروهی و عدم امنیت روانی- اجتماعی یا تفاوت در ارزش‌ها و هنجارهای خرده فرهنگی باشد. ایده اساسی این مدل تأکید آن بر نقش تعیین‌کننده ارزش‌ها، هنجارها و نظام‌های هویتی و فرهنگی در شکل‌گیری رفتارهای باروری و سایر رفتارهای جمعیتی می‌باشد (عباسی شوازی و صادقی ۱۳۸۹؛ صادقی ۱۳۹۰).

بنابراین می‌توان گفت در تبیین تفاوت‌های باروری مهاجران هم باید به ویژگی‌ها و مشخصه‌های اقتصادی، اجتماعی و جمعیت‌شناختی آن‌ها در جامعه مقصد توجه داشت و اینکه تا چه حد مهاجران از نظر ساختاری با جامعه مقصد انطباق یافته‌اند (رویکرد همانندی مشخصه‌ها) و هم به فرهنگ و ارزش‌های اجتماع مهاجران توجه کرد (رویکرد هنجاری- فرهنگی). در واقع، چنانچه با کنترل ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی و جمعیت‌شناختی مهاجران همچنان تفاوت‌هایی در سطوح باروری مهاجران با جمعیت بومی باقی ماند، باید به نظام فرهنگی، ارزش‌ها و هنجارهای خرده فرهنگی اجتماع مهاجران در تبیین این تفاوت‌ها نیز توجه داشت.

امروزه ادغام موفقیت آمیز نسل دوم مهاجران دیگر مبتنی بر همانندی فرهنگی کامل آن‌ها یعنی کنار گذاشتن فرهنگ والدینشان و پذیرفتن کامل هنجارها و ارزش‌های جامعه مقصد نمی‌باشد، بلکه امروزه این تمایل وجود دارد که بر دستاوردهای اقتصادی- اجتماعی نسل دوم

در مقایسه با نسل اول از یک طرف و جمعیت بومی از طرف دیگر تأکید گردد (آپاریسیو^۱، ۲۰۰۷). قسمت عمده مطالعات پیشین در رابطه با عوامل تعیین‌کننده ادغام ساختاری (به خصوص وضعیت اقتصادی و تحصیلی) بوده و نیز به طور روزافزونی بر نسل دوم مهاجران تأکید دارد و تحقیقات تجربی نسبتاً اندکی بر عوامل تعیین‌کننده ادغام فرهنگی - اجتماعی مهاجران متمرکز شده‌اند. البته، فهم بهتر عوامل تعیین‌کننده ادغام فرهنگی - اجتماعی بستگی به درک ما از ادغام ساختاری مهاجران در جامعه میزبان دارد (سایمون^۲ ۲۰۰۳؛ پوترز و هائو^۳ ۲۰۰۴؛ مئورس^۴ و همکاران ۲۰۰۶؛ آپاریسیو ۲۰۰۷).

پیشینه تحقیق

محققان بسیاری، ابعاد مختلف ادغام مهاجران را از جمله ادغام ساختاری، ادغام فرهنگی - اجتماعی و ادغام اقتصادی از هم متمایز نموده‌اند (آلبا و نی^۵ ۲۰۰۳؛ هکمن^۶ ۲۰۰۵؛ تیوبرگن^۷ ۲۰۰۶؛ فوکما و دی‌هس^۸ ۲۰۱۱). برخی محققان بر گذشت زمان و به تبع آن نسل‌های بعدی مهاجران به عنوان مولفه اصلی ادغام تأکید دارند (پرلمن و والدینگر^۹ ۱۹۹۷؛ آلبا و نی ۲۰۰۳؛ اولسن^{۱۰} ۲۰۰۸). برخی دیگر از محققان بر "موانع ادغام"^{۱۱} مهاجران اشاره دارند و تأکید آنان بر موضوعات عدم امکان تحرک اجتماعی، تبعیض قومی و نژادی و جدایی مکانی می‌باشد (پوترز و ژئو ۱۹۹۳؛ واترز^{۱۲} ۱۹۹۹؛ پوترز و رومباوت^{۱۳} ۲۰۰۱؛ گانز^{۱۴} ۲۰۰۷؛ ری و پرستون^{۱۵} ۲۰۰۹). در ادبیات تحقیق، همگرایی بومی - مهاجر باروری به‌عنوان یکی از مهمترین

1. Aparicio
2. Simon
3. Hao
4. Meurs
5. Alba and Nee
6. Heckmann
7. Tubergen
8. Fokkema and de Haas
9. Perlmann and Waldinger
10. Olsen
11. Barriers to Integration
12. Waters
13. Rumbaut
9. Gans
15. Ray and Preston

شاخص‌های ادغام مهاجران به کار گرفته شده است (مسی^۱ ۱۹۸۱؛ عباسی‌شوازی و مکدونالد^۲ ۲۰۰۰؛ اندرسون^۳ ۲۰۰۴؛ هیل و جانسون^۴ ۲۰۰۴؛ پارادو و مورگان^۵ ۲۰۰۸).

در زمینه تأثیرات و پیامدهای ادغام و سازگاری مهاجران بر پویایی‌های خانواده، ادبیات تحقیق بر الگوهای ازدواج فراملی، به‌عنوان نشانه‌ای از پذیرش اجتماعی و ادغام (گوردون^۶ ۱۹۶۴؛ بایلی^۷ ۱۹۸۰؛ کالمیجن^۸ ۱۹۹۸؛ روزنفیلد^۹ ۲۰۰۲؛ آلبا و نی^{۱۰} ۲۰۰۳؛ نکبای^{۱۱} ۲۰۱۰؛ آدسرا و فرر^{۱۲} ۲۰۱۴) و الگوها و رفتارهای باروری مهاجران (گلدستین و گلدستین^{۱۳} ۱۹۸۳؛ بین^{۱۴} و همکاران ۱۹۸۴؛ فورد^{۱۵} ۱۹۹۰؛ استفن^{۱۶} و بین ۱۹۹۲؛ کان^{۱۷} ۱۹۹۴؛ محمودیان و کارمایکل^{۱۸} ۱۹۹۸؛ عباسی‌شوازی ۲۰۰۲؛ آدسرا و فرر ۲۰۱۱) متمرکز می‌باشند. به علاوه، مطالعات بسیاری نشان داده‌اند که نسل دوم مهاجران نسبت به نسل اول مهاجران، دارای باروری مشابهی با بومی‌ها هستند (استفن و بین ۱۹۹۲؛ سوایس گود و برگ ۱۹۹۸).

پیشینه مطالعاتی و تحقیقاتی مهاجران خارجی در ایران عمدتاً در مورد مهاجران افغانستانی شکل گرفته است. محمودیان (۱۳۸۶) در سطح گروهی به بررسی تغییرات ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی مهاجران افغانستانی در بستر انطباق با جامعه ایران پرداخته است. یافته‌های این تحقیق، بهبود وضعیت مهاجران، به ویژه در زمینه‌های آموزش، مهارت و بهداشت را منعکس می‌کند. همچنین تفاوت نسلی قابل توجهی (وضعیت بهتر نسل دوم) در این بهره‌مندی مستند شده است. در مقابل انطباق مهاجران با جامعه مقصد در بعضی جنبه‌ها نظیر اشتغال ضعیف بوده است.

1. Massey
2. Andersson
3. Hill and Johnson
4. Parrado and Morgan
5. Gordon
6. Baily
7. Kalmijn
8. Rosenfeld
9. Nekby
10. Adsera and Ferrer
11. Goldstein and Goldstein
12. Bean
13. Ford
14. Stephen
15. Kahn
16. Carmichael

عباسی‌شوازی و همکاران (۲۰۰۸) با استفاده از رهیافت روش تحقیق کیفی به مطالعه نسل دوم مهاجران افغانستانی در سه شهر تهران، مشهد و اصفهان پرداختند. یافته‌های این مطالعه بیانگر وجود تفاوت‌های بین نسلی در سطوح تحصیلی نسل دوم مهاجران با والدینشان، شکاف بین نسلی در خانواده‌های افغان، همگرایی نگرش‌های نسل دوم با هم‌تایان ایرانی، تعامل خوب با ایرانی‌ها در سطح همسایگی و نداشتن تمایل به بازگشت بخاطر فراهم نبودن شرایط زندگی در افغانستان می‌باشد. عباسی‌شوازی و همکاران (۲۰۱۵) در مطالعه خود نتیجه گرفتند که باروری زنان افغانستانی در همگرایی با روندهای کاهشی باروری در ایران، کاهش چشمگیری را تجربه کرده است اما همچنان تفاوت‌های محسوسی در باروری زنان مهاجر افغانستانی با ایرانی‌ها وجود دارد و در این تفاوت‌ها، ملیت/ تابعیت و وضعیت نسلی نقشی کلیدی دارند و سطح باروری زنان مهاجر افغانستانی بالاتر از زنان ایرانی است. این تفاوت برای نسل اول مهاجران به مراتب بیشتر از نسل دوم بوده و باروری نسل دوم با ایرانی‌ها همگرایی پیدا کرده است. بخش قابل توجهی از باروری افتراقی زنان مهاجر افغانستانی و ایرانی ناشی از سطوح پایین سازگاری آن‌ها و یا ساختارهای نابرابر فرصت، به ویژه تحصیلات و بخشی از آن به واسطه عوامل بلافصل باروری و همچنین حضور و تداوم نفوذهای فرهنگی مبدأ در شکل‌گیری ارزش‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای باروری آن‌ها است.

در مورد مهاجران عراقی در ایران مطالعات محدودی صورت گرفته است. موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران مطالعه‌ای با عنوان ایرانیان بازگشته از عراق را در سال ۱۳۵۰ به منظور شناخت ویژگی‌ها و مشخصات این گروه‌ها به انجام رسانده است. نتایج این مطالعه که در اردوگاه‌های بروجرد، کرمانشاه و قصرشیرین انجام گرفت، نشان می‌دهد که خانوارهای مورد مصاحبه اکثراً پیسواد یا با سطح تحصیلات پایین بوده، تمایل شدیدی برای استقرار در ایران داشته، بیشتر آنان به زبان عربی، برخی به زبان فارسی تکلم می‌کنند، از نظر شغلی هم اکثراً کارگر ساده و دارای مشاغل فاقد مهارت بوده‌اند، وقوع ازدواج و زودرسی آن در نزد آنان عمومیت داشته و دارای خانوارهایی با فرزندان زیاد بوده و امر تنظیم مولید در میان آنان رواج نیافته است (ساروخانی، ۱۳۵۰).

زارع شاه‌آبادی (۱۳۸۲) با بررسی نقش مهاجرین عراقی ساکن شهر یزد در آسیب‌های اجتماعی این شهر به این نتایج دست یافت که مهاجرین عراقی ساکن شهر یزد در مواردی همچون قاچاق کالا، اعتیاد به مواد مخدر، مشکلات اخلاقی، سرقت، درگیری، نزاع و قتل در افزایش آسیب‌های اجتماعی این شهر مؤثر بوده‌اند و در برخی آسیب‌ها نیز نقشی نداشته‌اند. پورنجف (۱۳۷۹) در مطالعه میزان سازگاری فرهنگی زنان معاود (مهاجرین عراقی) ساکن استان ایلام، به این نتایج دست یافت که هر چه میزان پذیرش و استقبال اجتماعی جامعه میزبان از فرد مهاجر بیشتر بوده، سازگاری فرهنگی نیز افزایش می‌یابد. حقیقتیان و پورنجف (۱۳۸۵) در مطالعه عوامل اجتماعی-اقتصادی مؤثر بر سازگاری زنان معاود (زنان برگشته از عراق) در ایلام نشان دادند که بین سن افراد و سازگاری آن‌ها ارتباطی نیست، ولی بین وضعیت تأهل، تحصیلات، درآمد، تعداد فرزندان و نوع شغل افراد با میزان سازگاری آن‌ها پیوندی معنادار وجود دارد.

از این‌رو، تحقیقات صورت گرفته در رابطه با مهاجران خارجی در ایران عمدتاً بر مهاجران افغانستانی متمرکز بوده‌اند و در مورد مهاجران عراقی به ویژه ادغام و سازگاری آن‌ها در جامعه ایران و پیامدهای جمعیت‌شناختی آن مطالعه‌ای صورت نگرفته است.

روش تحقیق

در این مطالعه از روش تحلیل ثانویه^۱ داده‌های سطح خرد^۲ سرشماری‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ مهاجران خارجی و نمونه ۲ درصدی جمعیت ایرانی‌ها در سرشماری‌های مذکور استفاده شده است. جمعیت مورد بررسی شامل کلیه زنان دارای همسر ۴۹-۱۵ ساله با تابعیت ایرانی و عراقی ساکن در ایران در دو سرشماری ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ است. با توجه به مقایسه‌ای بودن پژوهش حاضر، حجم نمونه برای زنان ۴۹-۱۵ ساله ایرانی و عراقی بطور مساوی در نظر گرفته شده است. در فایل داده‌های فردی مهاجران خارجی سرشماری ۱۳۸۵، تعداد زنان ۴۹-۱۵ ساله عراقی در فرم ۳ (نمونه‌گیری) که اطلاعات باروری آن‌ها موجود است، ۵۴۶ نفر بوده است، لذا جمعیت

1. Secondary analysis
2. Micro-census data

زنان ایرانی به همین تعداد از فایل داده‌ها به صورت نمونه تصادفی انتخاب شد. در سرشماری ۱۳۹۰ تعداد زنان ازدواج کرده عراقی ۴۹-۱۵ساله، ۶۸۵۶ نفر بوده است و تعداد زنان ایرانی نیز همین تعداد در نظر گرفته شده است.

برای سنجش تأثیر مشخصه‌های اقتصادی- اجتماعی بر رفتار باروری از رویکرد ساختاری استفاده شده است. در اینجا، تابعیت ایرانی و عراقی یا عبارتی وضعیت بومی- مهاجر به‌عنوان متغیر مستقل انتخاب شده است. جهت سنجش مشخصه‌های اقتصادی- اجتماعی از یک‌سری متغیرها نظیر سطح تحصیلات (در قالب پنج طبقه بی‌سواد، نهضت و ابتدایی، راهنمایی، متوسطه و دیپلم، دانشگاهی)، وضعیت شغلی (در دو طبقه شاغل و غیر شاغل)، سطح تحصیلات همسر (در پنج طبقه بی‌سواد، نهضت و ابتدایی، راهنمایی، متوسطه و دیپلم، دانشگاهی) و سطح شغلی همسر (در سه سطح، بالا (شامل قانونگذاران، مقامات عالی‌رتبه، مدیران و متخصصان)، متوسط (شامل تکنسین‌ها و دستیاران، کارمندان اداری و دفتری، کارکنان خدماتی و فروشندگان، صنعتگران و کارکنان مشاغل مربوطه، متصدیان، مونتاژکاران ماشین‌آلات و رانندگان) و پایین (شامل کارگران ساده و کارکنان کشاورزی، جنگلداری و ماهیگیری) استفاده شده است.

تعداد فرزندان زنده به دنیا آورده^۱ (CEB) به‌عنوان شاخص رفتار باروری و متغیر وابسته تحقیق در نظر گرفته شده است. در این میان متغیرهایی همچون سن، سطح تحصیلات، اشتغال به تحصیل، وضعیت شغلی، سطح تحصیلات همسر و سطح شغلی همسر به‌عنوان متغیرهای کنترل مورد استفاده قرار گرفته‌اند. همچنین جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش‌های تحلیلی دومتغیره (آزمون‌کای اسکویئر^۲ (X^2) و تحلیل واریانس) و چند متغیره (تحلیل طبقه‌بندی چندگانه^۳ (MCA) استفاده شده است.

روند و حجم مهاجرت عراقی‌ها به ایران

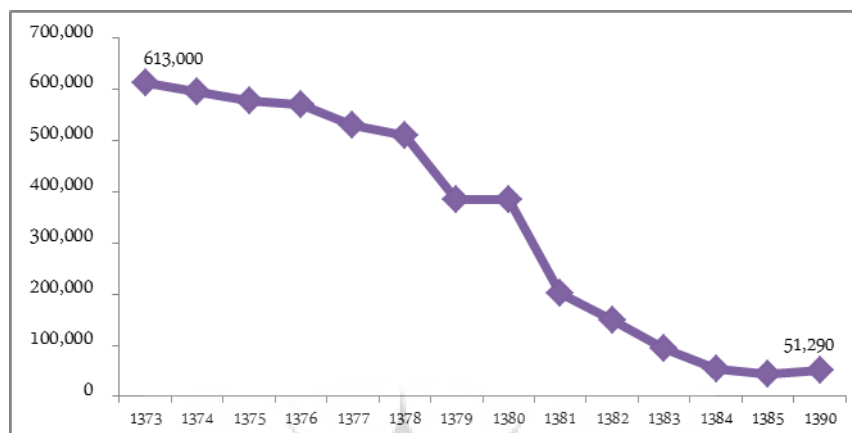
مهاجرت عراقی‌ها به کشور ایران دارای سابقه‌ای طولانی است. جریان‌ات پناهندگی از عراق به سوی ایران، تا حدی ریشه در ارتباطات تاریخی، تجاری، مذهبی، سیاسی و خانوادگی بین این

1. Children ever born
2. Multiple classification analysis

دو کشور داشت. وجود حوزه علمیه نجف، اماکن زیارتی و نیز حضور امام خمینی(ره) در کشور عراق، پیوندهای بین این دو کشور را محکم کرده و این پیوندها خود در انتخاب ایران به عنوان مقصد مهاجرتی و نیز پذیرش مهاجران عراقی در ایران سهم بسزایی ایفاء نموده است.

همچنین، رژیم بعث عراق از اواخر دهه ۱۳۴۰ شمسی طی چندین مرحله، حدود نیم میلیون نفر عراقی را با این توجیه که آن‌ها ایرانی هستند از کشور اخراج نمود. اکثر این افراد، علمای شیعه و افراد طبقه متوسط بودند که رژیم عراق آن‌ها را تهدیدی علیه قدرت و حاکمیت خود می‌دانست. دولت ایران به حدود ۱۰۰ هزار نفر از این افراد که توانستند اصالت ایرانی خود را اثبات کنند، تابعیت ایرانی داد و بقیه آن‌ها نیز به‌عنوان پناهنده پذیرفته شدند و از حمایت و مزایای اجتماعی- مانند حق اشتغال- برخوردار گشتند که این امر انطباق اقتصادی-اجتماعی آن‌ها با جامعه ایران را در بلندمدت تسهیل می‌نمود، با این وجود این پناهندگان بدون تابعیت ایرانی باقی ماندند (چاتلارد، ۲۰۰۹). در طول ۸ سال جنگ ایران و عراق (۱۳۶۷-۱۳۵۹) بسیاری از پناهندگان جنگی بویژه کردها وارد ایران شدند. مرز بین این دو کشور پس از جنگ بسته باقی ماند. این امر باعث کاهش جابه‌جایی‌ها بین این دو کشور گردید. البته اجازه ورود به‌صورت مشروط به برخی افراد همچون روحانیون و نیز تبادل اسراء داده می‌شد (همان).

در اواخر دهه ۱۳۷۰ حجم مهاجرت از عراق به ایران شدت گرفت، به طوری که در سال ۱۳۷۳ تعداد مهاجران عراقی در ایران به اوج خود یعنی بیش از ۶۰۰ هزار نفر رسید (عباسی شوازی و همکاران، ۲۰۰۸). بر اساس پیمایش جهانی پناهندگان، در سال ۱۳۷۵ اکثر پناهندگان عراقی در ایران زندگی می‌کردند. در دهه ۱۳۸۰ تعداد مهاجران عراقی کاهش یافته، بطوری که در سرشماری ۱۳۹۰ به اندکی بیش از ۵۰ هزار نفر رسیده است.



نمودار ۱. تغییرات سالانه تعداد مهاجران عراقی در ایران در دوره ۹۰-۱۳۷۳

مأخذ: بر اساس عباسی شوازی و دیگران، ۲۰۰۸: ۱۴ و نتایج سرشماری‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰.

به طور خلاصه سه جریان مهاجرتی از عراق به ایران به صورت زیر بوده است:

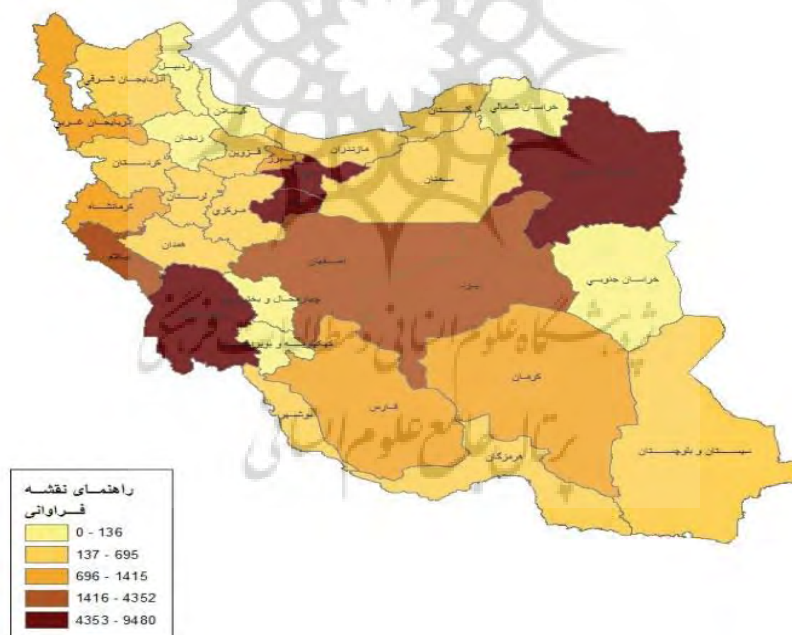
- یک گروه ۷۰ هزار نفری از عراقی‌هایی که در طول جنگ ایران و عراق بین سال‌های ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۷، به این بهانه که دارای اصالت ایرانی بودند، از کشور عراق اخراج گردیدند. اکثر این افراد در مناطق غربی ایران زندگی می‌کنند.
- یک گروه ۱۶۰ هزار نفری از گُردها که اکثر آن‌ها در سال‌های ۱۳۵۹ و ۱۳۷۰ در نتیجه شکست شورش گُردها در عراق به ایران پناهنده شدند. این پناهندگان در مناطق غربی و مرکزی ایران ساکن شدند.
- یک گروه از پناهندگان شیعه حدود ۳۳۶۰۰ نفر که در کمپ‌هایی در جنوب غربی ایران به خصوص خوزستان زندگی می‌کردند. برخی از آن‌ها در سال ۱۳۷۰ همزمان با جنگ خلیج فارس و شکست شورش شیعیان وارد ایران شدند. برخی دیگر از این شیعیان بین سال‌های ۱۳۷۲ و ۱۳۷۴ از مناطق جنوب شرقی عراق به خاطر فشارها و تهدیدات رژیم بعث عراق به ایران وارد شدند.

به‌علاوه در نتیجه عملیات نظامی عراق در کردستان عراق در سال ۱۳۷۵ حدود ۴۰ هزار

پناهنده عراقی به سه استان آذربایجان غربی، کردستان و کرمانشاه وارد شدند. ایران در بهار سال

۱۳۸۲ میزبان چیزی بیش از ۲۰۲ هزار نفر پناهنده عراقی بود، که پس از سقوط رژیم صدام حسین در همین سال، بیش از نیمی از پناهندگان عراقی در ایران - حدود ۱۰۷ هزار نفر- به کشور خود بازگشتند (کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل، ۲۰۰۴) و همچنان این بازگشت‌ها ادامه داشته است. همانگونه که نمودار ۱ مشاهده می‌شود تعداد مهاجران عراقی در ایران در سال ۱۳۷۳ بیش از ۶۰۰ هزار نفر بوده که این تعداد با تداوم مهاجرت بازگشتی به تعداد ۵۱۲۹۰ نفر در سال ۱۳۹۰ رسیده است.

الگوی توزیع و پراکندگی جغرافیایی مهاجران عراقی در ایران در نمودار ۲ نشان می‌دهد که استان‌های قم، تهران، خراسان رضوی، خوزستان، اصفهان، یزد و ایلام به ترتیب دارای بیشتری تعداد مهاجران عراقی بوده‌اند. از اینرو، مهاجران عراقی بیشتر در استان‌های مذهبی، سپس صنعتی و در نهایت در استان‌های غربی کشور ساکن هستند.



نمودار ۲. نقشه پراکندگی مهاجران عراقی در ایران ۱۳۹۰

منبع: پردازش بر اساس جمعیت مهاجران عراقی در سرشماری ایران ۱۳۹۰.

بر این اساس، طبق سرشماری ۱۳۹۰ تعداد ۵۱ هزار مهاجر عراقی در ایران بوده که بخشی از آنها را زنان دارای همسر ۴۹-۱۵ ساله تشکیل می‌دهد. در ادامه به بررسی تفاوت‌های باروری این زنان با هم‌تایان ایرانی‌شان می‌پردازیم.

یافته‌ها

○ مشخصه‌های اقتصادی-اجتماعی نمونه مورد بررسی

مقایسه ویژگی‌های اقتصادی-اجتماعی زنان مهاجر عراقی با زنان ایرانی حاکی از وجود تفاوت‌های معناداری بین این دو گروه از زنان است (جدول ۱). براین اساس، زنان مهاجر عراقی نسبت به زنان ایرانی از نظر سطح تحصیلات از سطوح تحصیلی پایین‌تری برخوردار بوده، از نظر وضعیت شغلی کمتر شاغل بوده و همچنین از نظر سطح تحصیلات همسر، دارای همسرانی با سطوح تحصیلی پایین‌تر بوده‌اند.

جدول ۱. مشخصه‌های اقتصادی-اجتماعی زنان ۴۹-۱۵ ساله مورد بررسی به تفکیک

تابعیت، ۹۰-۱۳۸۵

۱۳۹۰		۱۳۸۵		مشخصه‌های اقتصادی-اجتماعی	
زنان مهاجر عراقی	زنان ایرانی	زنان مهاجر عراقی	زنان ایرانی		
۳۳/۰	۳۲/۸	۳۱/۷	۳۲/۶	میانگین سنی	
۳۳/۰	۳۲/۰	۳۲/۰	۳۲/۵	میان سنی	
۰/۰۰۱		۰/۰۱۵		سطح معنی‌داری (Sig.)	
۱۳۹۰		۱۳۸۵		سطح تحصیلات (%)	
زنان مهاجر عراقی	زنان ایرانی	زنان مهاجر عراقی	زنان ایرانی		
۲۷/۰	۱۱/۹	۳۲/۸	۱۹/۳		بی سواد
۲۳/۳	۲۳/۱	۲۷/۲	۳۱/۵		نهیضت و ابتدایی
۲۱/۸	۱۹/۰	۲۲/۰	۱۷/۴		راهنمایی
۲۰/۱	۳۰/۱	۱۴/۰	۲۴/۸		متوسطه و دیپلم
۷/۸	۱۵/۹	۴/۰	۷/۰	دانشگاهی	

ادامه جدول ۱. مشخصه‌های اقتصادی-اجتماعی زنان ۴۹-۱۵ ساله مورد بررسی به تفکیک

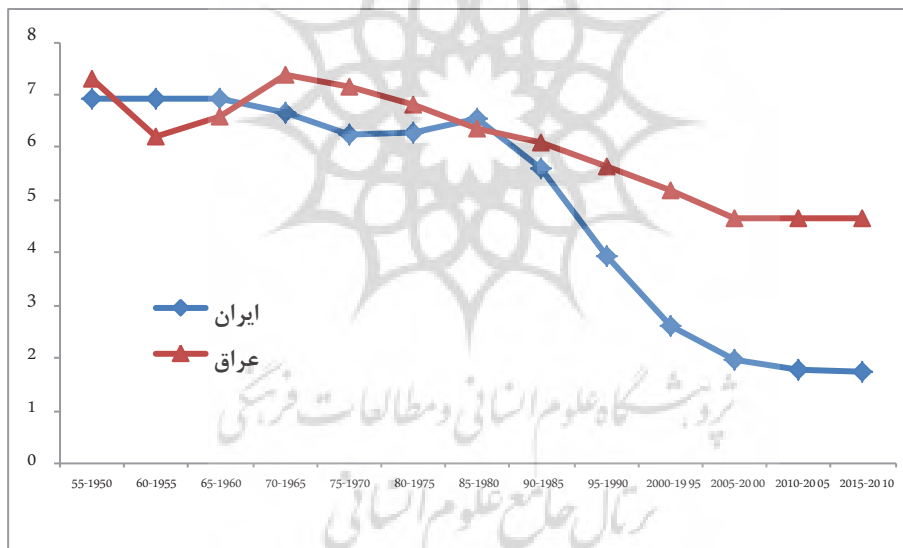
تابعیت، ۹۰-۱۳۸۵

۱۳۹۰		۱۳۸۵		مشخصه‌های اقتصادی-اجتماعی
زنان مهاجر عراقی	زنان ایرانی	زنان مهاجر عراقی	زنان ایرانی	
۰/۰۰۱		۰/۰۰۱		سطح معنی‌داری (Sig.)
				وضعیت شغلی (%)
7/4	۹/۲	۳/۴	۱۰/۰	شاغل
۹۵/۳	۹۰/۸	۹۶/۶	۹۰/۰	غیر شاغل
۰/۰۰۱		۰/۰۰۱		سطح معنی‌داری (Sig.)
				سطح تحصیلات همسر (%)
۲۴/۳	۱۰/۸	۲۶/۶	۱۷/۰	بی سواد
۲۱/۵	۲۱/۲	۲۱/۷	۲۶/۵	نهیضت و ابتدایی
۲۱/۰	۲۳/۳	۲۶/۲	۲۱/۹	راهنمایی
۱۹/۲	۲۷/۲	۱۷/۵	۲۳/۸	متوسطه و دیپلم
۱۴/۰	۱۷/۵	۱۴/۱	۱۰/۸	دانشگاهی
۰/۰۰۱		۰/۰۲۶		سطح معنی‌داری (Sig.)
				سطح شغلی همسر (%)
۲۲/۷	۳۰/۴	۳۳/۸	۳۶/۶	پایین
۶۴/۳	۵۸/۸	۵۲/۶	۵۳/۴	متوسط
۱۳/۰	۱۰/۸	۱۳/۶	۹/۹	بالا
۰/۰۰۱		۰/۲۵۶		سطح معنی‌داری (Sig.)
				محل سکونت (%)
		۶۵/۲	۵۸/۸	شهر
		۳۴/۸	۴۱/۲	روستا
-		۰/۰۲۹		سطح معنی‌داری (Sig.)
6856	6856	۵۴۶	۵۴۶	حجم نمونه

نکته: برای تعیین سطح معنی‌داری از تی تست و کای اسکوتر استفاده شده است.

○ رفتارهای باروری زنان مهاجر عراقی و مقایسه آن با هم‌تایان ایرانی

در این بخش از یافته‌ها به نتایج مقایسه رفتار باروری زنان عراقی با هم‌تایان ایرانی می‌پردازیم. همانگونه که نمودار ۳ نشان می‌دهد، باروری دو کشور تا دهه ۱۹۸۰ تقریباً در یک سطح بوده است، اما از دهه ۱۹۸۰ به بعد باروری در ایران کاهش سریعی داشته است. هم‌اکنون عراق (به‌عنوان کشور مبدأ) در دسته کشورهای دارای رژیم باروری بالا قرار دارد. در مقابل ایران (به‌عنوان کشور میزبان)، گذار باروری‌اش را پشت سر گذاشته و هم‌اکنون باروری‌اش در زیر سطح جانشینی قرار دارد. در دوره ۲۰۱۰-۲۰۱۵ میزان باروری کل کشور عراق ۴/۵ فرزند و برای کشور ایران ۱/۸ فرزند بوده است. بنابراین، مهاجران عراقی از یک کشور با باروری بالا به کشوری با باروری پایین مهاجرت داشته‌اند.

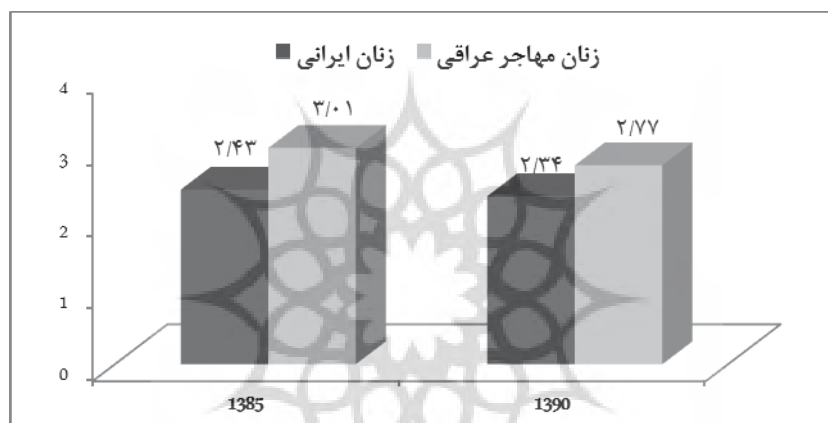


نمودار ۳. روند میزان باروری کل (TFR) زنان عراقی در کشور مبدأ (عراق) در مقایسه با زنان ایرانی،

۱۹۵۰-۲۰۱۵

منبع: پردازش بر اساس داده‌های چشم انداز جمعیت جهان سازمان ملل، ۲۰۱۵. حال باید دید که آیا مهاجران همچنان سطوح بالای باروری کشور مبدأ خود را حفظ نموده‌اند یا اینکه سطوح باروری‌شان با ایرانی‌ها همگرا شده است. همانگونه که در نمودار ۴ مشاهده

می‌شود متوسط تعداد فرزندان زنده بدنیا آمده زنان ازدواج کرده ۴۹-۱۵ ساله مهاجر عراقی در سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ به ترتیب ۳/۰ و ۲/۸ فرزند و برای زنان ایرانی ۴/۲ و ۳/۲ فرزند بوده است. به عبارت دیگر، متوسط تعداد فرزندان زنده بدنیا آمده زنان مهاجر عراقی اندکی بالاتر از زنان ایرانی بوده است. این تفاوت به لحاظ آماری معنادار بوده است (در سال ۱۳۸۵ $F=10.938$ Sig=0.001 // در سال ۱۳۹۰ $F=56.897$ Sig=0.001).



نمودار ۴. میانگین تعداد فرزندان زنده بدنیا آمده (CEB) زنان ۴۹-۱۵ ساله ایرانی و مهاجر

عراقی با کنترل اثر سن

با توجه به آنچه آمد این پرسش مطرح می‌شود چقدر از تفاوت‌های باروری مهاجران عراقی و ایرانی‌ها ناشی از سطوح پایین مشخصه‌های اقتصادی-اجتماعی (نابرابری در ویژگی‌های تحصیلی و شغلی) آنهاست. در این راستا، با استفاده از تکنیک تحلیل طبقه‌بندی چندگانه به بررسی تأثیر مشخصه‌های اقتصادی-اجتماعی بر تفاوت‌های بومی-مهاجر باروری پرداخته شد. در جدول ۲ نتایج این آزمون در قالب دو مدل ارائه شده است. در مدل اول تأثیر تابعیت به-عنوان متغیر مستقل- بدون کنترل مشخصه‌ها - بر باروری آورده شده و در مدل دوم تأثیر ترکیبی تابعیت همراه با سایر مشخصه‌های اقتصادی-اجتماعی بر باروری آزمون شده است. در هر دو مدل نیز اثرات متغیر سن کنترل شده است. نتایج این آزمون برای سال ۱۳۸۵ نشان داد که متوسط تعداد فرزندان زنده بدنیا آمده زنان مهاجر عراقی و ایرانی بدون کنترل مشخصه‌ها به

ترتیب ۳/۰۱ و ۲/۴۳ بوده که با کنترل مشخصه‌ها (مدل ۲) برای زنان مهاجر عراقی به ۲/۹۵ و برای زنان ایرانی به ۲/۴۹ تغییر یافته است.

جدول ۲. نتایج آزمون تحلیل طبقه‌بندی چندگانه (MCA) از تفاوت‌های باروری زنان ایرانی و

مهاجر عراقی قبل و بعد از کنترل مشخصه‌ها، ۱۳۸۵-۹۰

۱۳۹۰		۱۳۸۵		مشخصه‌های اقتصادی-اجتماعی		
تعداد نمونه	با کنترل مدل ۲	بدون کنترل مدل ۱	تعداد نمونه	با کنترل مدل ۲	بدون کنترل مدل ۱	
۶۸۵۶	۲/۴۶	۲/۳۴	۵۴۶	۲/۴۹	۲/۴۳	ایرانی
۶۸۵۶	۲/۶۷	۲/۷۷	۵۴۶	۲/۹۵	۳/۰۱	عراقی
	(۰/۰۵۵ ^{***})	۰/۱۱۳ ^{***}		(۰/۱۰۰ ^{***})	۰/۱۲۶ ^{***}	<i>Eta(Beta)</i>
۲۵۷۲	۳/۴۵		۲۷۵	۳/۶۲		بیسواد
۲۹۸۶	۲/۷۱		۳۱۲	۲/۶۸		نهضت و ابتدایی
۲۵۹۴	۲/۴۹		۲۰۹	۲/۳۹		راهنمایی
۲۹۵۵	۲/۰۹		۲۰۷	۲/۱۲		متوسطه و دیپلم
۱۲۵۴	۱/۸۰		۵۹	۲/۰۸		دانشگاهی
	۰/۲۱۳ ^{***}			۰/۲۴۴ ^{***}		<i>Beta</i>
۸۰۲	۲/۳۴		۷۱	۱/۷۸		شاغل
۱۱۵۳۱	۲/۶۰		۹۸۷	۲/۷۹		غیر شاغل
	۰/۰۴۳ ^{***}			۰/۱۰۷ ^{***}		<i>Beta</i>
۲۲۴۵	۲/۷۱		۱۶۳	۲/۵۲		بیسواد
۲۷۰۷	۲/۶۰		۲۱۷	۲/۸۶		نهضت و ابتدایی
۲۷۳۹	۲/۴۹		۲۰۹	۲/۷۶		راهنمایی
۲۷۵۷	۲/۴۶		۱۸۸	۲/۸۰		متوسطه و دیپلم

ادامه جدول ۲. نتایج آزمون تحلیل طبقه‌بندی چندگانه (MCA) از تفاوت‌های باروری زنان ایرانی و مهاجر عراقی قبل و بعد از کنترل مشخصه‌ها، ۹۰-۱۳۸۵

۱۳۹۰		۱۳۸۵		مشخصه‌های اقتصادی-اجتماعی	
تعداد	با کنترل	بدون کنترل	تعداد	با کنترل	بدون کنترل
نمونه	مدل ۲	مدل ۱	نمونه	مدل ۲	مدل ۱
۱۸۸۳	۲/۶۹		۱۰۷	۲/۸۸	
	۰/۰۵۱***			۰/۰۶۳ ^{ns}	
۲۰۲۱	۲/۷۲		۲۸۱	۲/۸۳	
۴۳۱۰	۲/۵۲		۴۲۰	۲/۷۰	
۸۲۷	۲/۵۵		۹۰	۲/۸۱	
	۰/۰۳۶***			۰/۰۳۵ ^{ns}	
	۳۹۰/۹۹***	۱۹۹/۹۳***		۵۵/۰۶***	۱۳۵/۲۶***
	۴۰/۹ درصد	-		۵۳/۱ درصد	-
					(R ²)

* در همه مدل‌ها اثر سن کنترل شده است.*** سطح معنا داری ۹۹ درصد؛ ns غیر معنا دار.

در میان متغیرهای کنترل، سطح تحصیلات و وضعیت شغلی دارای تأثیر معناداری بر باروری بوده‌اند. با توجه به مقدار R²، تابعیت به همراه سایر مشخصه‌های اقتصادی-اجتماعی حدود ۵۳ درصد از تفاوت‌های باروری زنان ایرانی و مهاجر عراقی را تبیین کرده است. از این‌رو، تفاوت‌های بومی-مهاجر باروری پس از کنترل مشخصه‌های اقتصادی-اجتماعی اندکی کاهش می‌یابد و شدت رابطه تابعیت و باروری نیز با ۲۱ درصد کاهش از ۰/۱۲۶ به ۰/۱۰۰ کاهش می‌یابد، هرچند، همچنان تفاوت‌های بومی-مهاجر باروری معنی‌دار است.

نتایج آزمون برای سال ۱۳۹۰ نشان داد که متوسط تعداد فرزندان زنده بدنیا آمده زنان ایرانی و زنان مهاجر عراقی در مدل ۱، بدون کنترل مشخصه‌ها، به ترتیب ۲/۳۴ و ۲/۷۷ بوده که در مدل ۲ با کنترل مشخصه‌ها برای زنان عراقی به ۲/۶۷ و برای زنان ایرانی به ۲/۴۶ تغییر یافته است. تمامی متغیرهای کنترل اثر معناداری بر باروری داشته‌اند. این متغیرها حدود ۴۱ درصد از تغییرات باروری را تبیین نموده‌اند. مقدار Beta که نشان دهنده اثر هر یک از متغیرهای مستقل

با کنترل سایر متغیرهاست، نشان می‌دهد که متغیر سطح تحصیلات دارای بیشترین اثر بر باروری بوده است. تفاوت‌های بومی- مهاجر باروری پس از کنترل مشخصه‌های اقتصادی- اجتماعی کاهش می‌یابد و شدت رابطه تابعیت و باروری نیز با ۵۱ درصد کاهش از ۰/۱۱۳ به ۰/۰۵۵ رسید، اما همچنان معنی‌دار می‌باشد.

بنابراین تفاوت‌های بومی- مهاجر باروری مهاجران عراقی تا اندازه‌ای ناشی از مشخصه‌های اقتصادی- اجتماعی متفاوت آن‌ها یا به عبارتی سطح پایین ادغام ساختاری مهاجران در جامعه ایران بوده است. تفاوت‌های باقیمانده بومی- مهاجر باروری بعد از کنترل مشخصه‌ها ممکن است نشان‌دهنده ویژگی‌های فرهنگی متمایز مهاجران عراقی در ایران باشد. در مجموع می‌توان گفت وجود نابرابری اجتماعی و سطوح پایین تحصیلی و شغلی زنان مهاجر عراقی در جامعه ایران تا حدی می‌تواند تبیین‌کننده سطوح بالای باروری آن‌ها باشد. اما همانطور که نتایج آزمون‌ها نشان داد حتی با کنترل مولفه‌های اقتصادی- اجتماعی، باروری زنان مهاجر همچنان بالاتر از زنان ایرانی قرار دارد. این وضعیت می‌تواند ناشی از ویژگی‌ها و مشخصه‌های فرهنگی و هنجاری متفاوت افراد بومی و مهاجر باشد.

نتیجه‌گیری

مهاجرت فرایندی اجتماعی- جمعیتی است که دارای پیامدهای پیچیده و چندبُعدی هم در سطح فردی و هم در سطح اجتماعی- اقتصادی، فرهنگی و سیاسی است. مهاجرت بین‌المللی منجر به تغییرات گسترده اجتماعی- اقتصادی و جمعیتی هم برای مهاجران و هم جامعه میزبان می‌گردد. مهاجران، نگرش‌ها و ارزش‌های خاص جامعه مبدأ را با خود به همراه می‌آورند، اما با ورود به کشور جدید در معرض ساختار اقتصادی- اجتماعی، ایده‌ها و نگرش‌های جدیدی قرار می‌گیرند. به مرور زمان، مهاجران در ساختارهای اقتصادی- اجتماعی جامعه میزبان ادغام شده و در اثر تعاملات اجتماعی و اشاعه ایده‌ها و با کم‌رنگ شدن بسیاری از نگرش‌ها و ارزش‌های جامعه مبدأ، پذیرای ارزش‌های فرهنگی جامعه میزبان می‌شوند. امروزه به دلیل اهمیت روزافزون مهاجرت بین‌المللی، مطالعه چگونگی ادغام مهاجران در جامعه مقصد و فرایندها و مکانیزم‌های

این ادغام و تبعات آن بسیار مورد توجه سیاست‌گذاران و محافل دانشگاهی و تحقیقاتی قرار گرفته است.

ایران در چند دهه اخیر یکی از مقصدهای اصلی مهاجرتی در منطقه بوده است. بعد از مهاجرانی از کشور همسایه شرقی یعنی افغانستان که عمده‌ترین جریان مهاجرتی به ایران محسوب می‌شوند، مهاجران کشور همسایه غربی یعنی عراق، بزرگترین گروه مهاجر خارجی در ایران محسوب شده و برخی از آن‌ها دارای تجربه زندگی چند دهه در ایران هستند. کشور عراق دارای ساختار سنتی خانواده و بسترهای اجتماعی-اقتصادی و جمعیتی متفاوتی از ایران می‌باشد. با توجه به این وضعیت، مطالعه حاضر به دنبال پاسخ به این سوال بود که مهاجران عراقی تا چه اندازه با شرایط اجتماعی و الگوهای هنجاری-رفتاری جامعه ایران انطباق و ادغام شده‌اند و از طرف دیگر این ادغام اجتماعی چه اثراتی بر رفتارهای باروری آن‌ها داشته است؟

مقایسه مشخصه‌های اقتصادی-اجتماعی زنان مهاجر عراقی با زنان ایرانی بیانگر وجود تفاوتی معنی‌دار، از نظر این مشخصه‌ها بین این دو گروه از زنان بود. زنان مهاجر نسبت به زنان ایرانی از سطوح تحصیلی پایین‌تری برخوردار بوده، از نظر وضعیت شغلی کمتر شاغل بوده و دارای همسرانی با سطوح تحصیلی پایین‌تر بوده‌اند. علاوه بر این‌ها، یافته‌های بررسی حاکی از وجود تفاوت‌های بومی-مهاجر معنادار در رفتارهای باروری است. بررسی سطوح باروری زنان مهاجر عراقی در مقایسه با زنان ایرانی نشان داد که متوسط تعداد فرزندان زنده به دنیا آمده زنان مهاجر (۲/۷ فرزند) بالاتر از زنان ایرانی (۲/۳ فرزند) است. جهت بررسی تأثیر مشخصه‌های اقتصادی-اجتماعی، از آزمون تحلیل طبقه‌بندی چندگانه استفاده شد. نتایج حاکی از آن بود که با کنترل مشخصه‌های اقتصادی-اجتماعی، از شدت رابطه تابعیت و باروری (۵۱ درصد) کاسته شده، اما همچنان باروری زنان مهاجر بطور معناداری بالاتر از زنان ایرانی است. از این رو، وجود نابرابری اجتماعی و اقتصادی برای مهاجران عراقی در جامعه ایران تا حدی در سطوح بالای باروری آنان نسبت به هم‌تایان ایرانی نقش داشته است. باروری زنان مهاجر عراقی نسبت به زنان ایرانی حتی با کنترل مولفه‌های اقتصادی-اجتماعی همچنان بالاتر است. تفاوت‌های باقیمانده در سطح باروری زنان مهاجر ممکن است ناشی از نظام ارزشی-هنجاری و فرهنگی متفاوت آن‌ها باشد که نیازمند مطالعه کیفی در این زمینه است.

بنابراین، رفتارهای باروری مهاجران عراقی در ایران را می‌توان تا اندازه‌ای در چارچوب مدل همانندی مشخصه‌ها تبیین کرد. این رویکرد، تفاوت‌های بومی- مهاجر باروری را بازتاب مشخصه‌های اقتصادی- اجتماعی متفاوت آن‌ها می‌داند. در این زمینه نتایج پژوهش نشان داد که تفاوت‌های بومی- مهاجر رفتار باروری تا اندازه‌ای با کنترل مشخصه‌های اقتصادی- اجتماعی کاهش می‌یابد. تفاوت‌های بومی- مهاجر باقیمانده در رفتار باروری، پس از کنترل مشخصه‌های اقتصادی- اجتماعی، ممکن است ناشی از عوامل هنجاری- فرهنگی باشد. بدین معنی، ارزش‌ها، هنجارها و نظام‌های هویتی و فرهنگی خاص مهاجران عراقی نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری رفتار باروری آن‌ها در جامعه ایران داشته است. البته با توجه به محدود بودن متغیرهای اقتصادی- اجتماعی مورد بررسی، با قاطعیت نمی‌توان تفاوت‌های باقیمانده را به عوامل فرهنگی مرتبط دانست.

بدین ترتیب، از یافته‌ها و نتایج این مطالعه می‌توان نتیجه‌گیری کرد که تغییراتی در رفتار باروری مهاجران عراقی در ایران صورت پذیرفته است، هرچند همچنان تفاوت‌های بومی- مهاجر در رفتار باروری وجود دارد که بخش عمده‌ای از آن ناشی از تفاوت در موقعیت‌ها و ویژگی‌های اقتصادی- اجتماعی است.

منابع

- پورنجف، حیران (۱۳۷۹). "بررسی سازگاری فرهنگی مهاجرین زن عراقی در شهرستان ایلام در سال ۱۳۷۶"، *مجله دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی ایلام*، شماره ۸ (۲۸)، صص ۲۲-۱۸.
- حقیقتیان، منصور و حیران پورنجف (۱۳۸۵). "عوامل اجتماعی- اقتصادی موثر بر سازگاری زنان معاود در ایلام"، *مطالعات زنان*، سال چهارم، شماره ۳، صص ۸۲-۶۳.
- زارع شاه آبادی، علی‌رضا (۱۳۸۲). "نقش مهاجرین عراقی ساکن شهر یزد در آسیب‌های اجتماعی این شهر"، *فصلنامه جغرافیا و توسعه*، شماره ۲، صص ۷۲-۵۷.
- ساروخانی، باقر (۱۳۵۰). "گزارش ایرانیان بازگشته از عراق (بررسی کلی)"، *موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی*، دانشگاه تهران.

- سرایی، حسن (۱۳۸۵). "تداوم و تغییر خانواده در جریان گذار جمعیتی ایران"، *نامه انجمن جمعیت شناسی ایران*، شماره ۲، صص ۶۰-۳۷.
- صادقی، رسول (۱۳۹۰). "سازگاری اجتماعی- جمعیتی نسل دوم مهاجران افغانستانی در ایران"، پایان نامه دکتری جمعیت شناسی، دانشگاه تهران.
- صادقی، رسول، ۱۳۹۵، عوامل اقتصادی- اجتماعی مؤثر بر طلاق جوانان در ایران، *فصلنامه مطالعات راهبردی ورزش و جوانان*، شماره ۳۲ (تابستان)، صص ۲۰۵-۱۸۹.
- عباسی شوازی، محمد جلال و حاتم حسینی (۱۳۸۶). "قومیت و باروری: آزمون فرضیه‌های رقیب برای تبیین تفاوت‌های قومی باروری در شهرستان ارومیه"، *نامه انجمن جمعیت شناسی ایران*، سال دوم، شماره ۴، صص ۴۱-۵.
- عباسی شوازی، محمد جلال و رسول صادقی (۱۳۸۶). "قومیت و باروری: تجزیه و تحلیل رفتار باروری گروه‌های قومی در ایران"، *نامه علوم اجتماعی*، شماره ۲۹، صص ۶۳-۲۹.
- عباسی شوازی، محمد جلال و رسول صادقی (۱۳۸۹). "تفاوت‌های بومی- مهاجر ازدواج در ایران: مطالعه تطبیقی رفتار ازدواج مهاجران افغان و ایرانی"، *نامه انجمن جمعیت شناسی*، شماره ۸، صص ۳۷-۷.
- عباسی شوازی، محمد جلال و میمنت حسینی چاووشی (۱۳۹۲). "گزارش تحولات باروری در ایران در چهار دهه اخیر کاربرد و ارزیابی روش فرزندان خود در برآورد باروری با استفاده از داده‌های سرشماری ۱۳۶۵ تا ۱۳۹۰"، پژوهشکده آمار.
- محمودیان، حسین (۱۳۸۶). "مهاجرت افغان‌ها به ایران: تغییر در ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی و انطباق با جامعه مقصد"، *نامه انجمن جمعیت شناسی ایران*، شماره ۴، صص ۶۹-۴۲.
- Abbasi-Shavazi, M.J. and P. McDonald (2000). "Fertility and Multiculturalism: Immigrants Fertility in Australia 1977-1991", *International Migration Review* 34(1): 215-242.
- Abbasi-Shavazi, M. J. and P. McDonald (2007). "Family Change in Iran: Religion, Revolution, and the State", Pp. 177-198 in R. Jayakody, A. Thornton, and W. Axinn (eds.), *International Family Change: Ideational Perspectives*, New York: Taylor & Francis Group, LLC.
- Abbasi-Shavazi, M.J., P. McDonald, and M. Hosseini-Chavoshi (2009). *The Fertility Transition in Iran*, Springer Press.
- Abbasi-Shavazi, M.J. , G. Hugo, R. Sadeghi, and H. Mahmoudian (2015). "Immigrant-native Fertility Differentials: The Afghans in Iran", *Asian and Pacific Migration Journal* 24(3): 273-297.

- Abbasi-Shavazi, M.J., H. Mahmoudian, G. Farjadi, D. Glazebrook, and R. Sadeghi, (2008). *The state of international migrants and refugees in the Islamic Republic of Iran, 2006*, Tehran: United Nations Population Fund (UNFPA) & United Nations High Commissioner for Refugees (UNHCR).
- Adserà, A., A. Ferrer, (2014). "Immigrants and Demography: Marriage, Divorce, and Fertility", *IZA Discussion Paper No. 7982*.
- Adsera, A. and A. Ferrer (2011). "Age at Migration, Language and Fertility Patterns among Migrants to Canada", *Discussion Paper No. 5552*.
- Aghajanian A. and V. Thompson (2013). "Recent Divorce Trend in Iran", *Journal of Divorce and Remarriage*, 54(2): 112-125.
- Alba, R., and V. Nee. (2003). *Remaking the American Mainstream: Assimilation and Contemporary Immigration*, Cambridge: Harvard University Press.
- Andersson, G. (2004). "Childbearing after migration: fertility patterns of foreign-born women in Sweden", *International Migration Review*, 38: 747-774.
- Aparicio, P. R. (2007). "The Integration of the Second and 1.5 Generations of Moroccan, Dominican and Peruvian Origin in Madrid and Barcelona", *Journal of Ethnic and Migration Studies* 33(7):1169-1193.
- Baily, S. L., (1980). "Marriage Patterns and Immigrant Assimilation in Buenos Aires, 1882-1923", *The Hispanic American Historical Review*, 60(1): 32-48.
- Bean, F. D., R. M. Cullen, E. H. Stephen, and G. Swicegood, (1984). "Generational Differences in Fertility among Mexican Americans: Implications for Assessing the Effects of Immigration", *Social Science Quarterly* 65: 573-582.
- Blau, I. and D. Duncan (1967). *The American Occupational Structure*, New York: Wiley.
- Chatelard, G. (2009). *Migration from Iraq between the Gulf and the Iraq Wars(1990-2003): Historical and socio-spatial dimensions*, accessible online in: <http://hal.archives-ouvertes.fr>.
- Coleman, D. (1994). "Trends in Fertility and Inter-marriage among Immigrant Populations in Western Europe as Measures of Integration", *Journal of Biosocial Sciences* 26(1):107-136.
- Fayyad, N. H. (2012). Fertility in Iraq: Trends, Evolution and Influential Factors, *Research Paper*, Arabic center for Research and Policy Study.
- Fokkema, T. and H. De Haas, (2011). "Pre- and Post-migration Determinants of Socio-Cultural Integration of African Immigrants in Italy and Spain", *International Migration* 53: 3-26. doi:10.1111/j.1468-2435.2011.00687.x.
- Ford, K. (1990). "Duration of Residence in the United States and the Fertility of U.S. Immigrants", *International Migration Review*, 24(1): 34-68.
- Gans, H. (2007). "Acculturation, Assimilation and Mobility", *Journal of Ethnic and Racial Studies* 30(1):152-164.
- Glazer, N. and D. I. Moynihan (1970), *Beyond the Melting Pot: The Negroes, Puerto Ricans, Jews, Italians, and Irish of New York City*. 2nd ed. Cambridge, MIT Press
- Goldscheider, C. and P. R. Uhlenberg. (1969). "Minority Group Status and Fertility", *American Journal of Sociology* 74: 361-372.
- Gordon, M.(1964). *Assimilation in American Life: The Role of Race, Religion, and National Origins*, New York: Oxford University Press.
- Heckmann, F. (2005). *Integration and Integration Policies*: IMISCOE Network, <http://nbn-resolving.de/urn:nbn:de:0168-ssoar-192953>.

- Hill, L. and H.P. Johnson. (2004). "Fertility changes among immigrants", *Social Science Quarterly*, 85: 811-826.
- Kahn, J. R. (1994). "Immigrant and Native Fertility during the 1980s: Adaptation and Expectations for the Future", *International Migration Review* 28(3): 501-519.
- Kalmijn, M., (1998). "Intermarriage and Homogamy: Causes, Patterns, and Trends", *Annual Review of Sociology*, 24: 395-421.
- Mahmoudian, H. and G. Carmichael, (1998). "An Analysis of Muslim Fertility in Australia Using the Own- Children Method", *Journal of Muslim Minority Affairs* 18(2): 251-69.
- Massey, D. (1981). "Dimensions of the New Immigration to the United States and the Prospects for Assimilation", *Annual Review of Sociology* 7: 57-85.
- Meurs, D., A. Pailhe, and P. Simon. (2006). The Persistence of Intergenerational Inequalities Linked to Immigration: Labour Market Outcomes for Immigrants and Their Descendants in France, *Population* 61: 763-801.
- Olsen, B. (2008). *Employment and Education among Young Immigrants and Norwegian-born to Immigrant Parents*, Statistics Norway.
- Park, R. E. (1950). *Race and Culture*, The Free Press, Glencoe.
- Parrado, E. and S.P. Morgan (2008). "Intergenerational Fertility among Hispanic Women: New Evidence of Immigrant Assimilation", *Demography* 45(3): 651-671.
- Perlmann, J., and R. Waldinger (1997). "Second Generation Decline? The Children of Immigrants, Past and Present: A Reconsideration", *International Migration Review* 31(4): 891-920.
- Portes, A. and J. Borocz (1989). "Contemporary Immigration: Theoretical Perspectives on Its Determinants and Modes of Incorporation", *International Migration Review* 23: 606-630.
- Portes, A. and L. X. Hao.(2004). "The Schooling of Children of Immigrants: Contextual Effects on the Educational Attainment of the Second Generation", *Proceedings of the National Academy of Sciences of the United States of America* 101: 11920-11927.
- Portes, A. and M. Zhou. (1993)."The New Second Generation: Segmented Assimilation and its Variants", *Annals of the American Academy of Political and Social Science*, 530: 74-96.
- Portes, A., and R. Rumbaut. (2001). *Legacies: The Story of the Immigrant Second Generation*, Berkeley, CA: University of California Press.
- Population Reference Bureau (2014). *World Population Datasheet 2014*, Population Reference Bureau.
- Ray, B. and V. Preston (2009). "Are Immigrants Socially Isolated? An Assessment Neighbors and Neighboring in Canadian Cities", *Journal of International Migration and Integration* 10(3): 217-234.
- Rosenfeld, M.J. (2002)."Measures of Assimilation in the Marriage Market: Mexican Americans 1970-1990", *Journal of Marriage and Family* 64(1): 152-162.
- Simon, P. (2003). "France and the Unknown Second Generation: Preliminary Results on Social Mobility", *International Migration Review* 37: 1091-1119.
- Stephen, E. H., and F. D. Bean (1992)."Assimilation, Disruption and the Fertility of Mexican-Origin Women in the United States", *International Migration Review* 26(1): 67-88.

- Torabi, F., A. Baschieri, L. Clarke and M. J. Abbasi-Shavazi (2012). "Marriage Postponement in Iran: Accounting for Socio-economic and Cultural Change in Time and Space", *Population, Space and Place* 19: 258-274.
- Tubergen, F.V.(2006). *Immigrant Integration: A Cross-National Study*, LFB Scholarly Publishing LLC, New York.
- UNHCR (2004). *Latest Guidance on Iraqi Asylum Seekers*, <http://www.unhcr.org/cgi-bin/texis/vtx/iraq?page=briefing&id=4056eddf4>, Accessed 17 July 2007.
- Waters, M.(1999). *Black Identities: West Indian Immigrant Dreams and American Realities*, New York: Russell Sage Foundation.
- World Refugee Survey (1996). *World Refugee Survey, An annual Assessment of Conditions Affecting Refugees, Asylum Seekers, and Internally Displaced*, World Refugee Survey, Washington DC.
- Zhou, M. (1997). Segmented Assimilation: Issues, Controversies and Recent Research on The New Second Generation, *International Migration Review*, 31(4): 967-1003.

